

متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه ی ماه محرم الحرام - 23 افروردین / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیز؛ علمای معظم و محترم و فضیلابی گرامی و جوان حوزه های علمیه و مبلغان صادق دین! خیلی خوش آمدید. فرصت تبلیغ در ماه محرم الحرام، یک فرصت بسیار بزرگ و استثنایی است و این به برکت خون سید شهیدان و سرور آزادگان عالم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران پاکباخته آن بزرگوار است. اثر آن خون به ناحق ریخته، یک اثر ماندگار در تاریخ است؛ چون شهید - کسی که جان خود را در طبق اخلاص می گذارد و تقدیم اهداف عالی دین می کند - از صفا و صدق برخوردار است.

انسان مزور و خدعه گر، هرچه هم که در زبان و بیان بتواند خود را طرفدار حق نشان دهد، وقتی پای منافع شخصی، بخصوص پای جان خود و عزیزانش به میان آمد، پا عقب می کشد و حاضر نیست آنها را فدا کند. آن کسی که قدم در میدان فداکاری می گذارد و خالصانه و مخلصانه هستی خود را در راه خدا می دهد: «حقّ علی الله»؛ خود خدای متعال بر عهده گرفته است که زنده اش نگه بدارد. «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات»، «ولاتحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا»؛ کشته شدگان راه خدا زنده می مانند. یک بُعد زنده ماندن آنها همین است که نشانه آنها، جای پای آنها و پرچم آنها هرگز نمی خوابد. ممکن است چند صباحی با زور و عنف و با دخالت قدرتهای زورگو، نشانه های آنها کمرنگ شود؛ اما خدای متعال طبیعت را این طور قرار داده است. ستّ الهی بر این است که راه پاکان و صالحان و مخلصان بماند. اخلاص چیز عجیبی است؛ لذاست که به برکت حسین بن علی علیه الصلّٰة والسلام و خون به ناحق ریخته آن بزرگوار و اصحابش، دین در عالم باقی ماند؛ بعد از آن هم این رشته ادامه پیدا کرد.

نمی شود توقع داشت که نسلی فقط از موارث افتخارات نسلهای دیگر ارتزاق کند. اگر این طور شد، آن نسل رو به انحطاط خواهد رفت. تا وقتی این حرکت با شتاب وجود دارد که نسلهای مؤمن بشری، هر کدام پی در پی سهم خودشان را ایفا کنند، افتخارات نیز نسل اندر نسل استمرار خواهد یافت. البته هر دورانی سهم مؤمنین و مخلصین به نوعی و به اقتضایی است؛ همه هم جهاد فی سبیل الله است؛ برای همه هم خطر فدا شدن منافع و از جمله فنا شدن جان هست. یک وقت در جنگ است، یک وقت در حوزه علمیه است، یک وقت شهید اول و ثانی است، یک وقت در میدان سیاسی است، یک وقت در میدان پیشرفتهای اجتماعی است، یک وقت در انقلاب عظیمی مثل این انقلاب الهی است، یک وقت به خاطر تبیین حقایق دینی است - مثل شهید مطهری و شهید بهشتی - هر وقت یک اقتضایی دارد. امروز هم شهادت این مرد سرافراز سعادت مند، این عنصر پاک و صادق که پیروز به دست سیاه روترین عناصر و نفرین شده ترین دستها و چهره ها و دلها به شهادت رسید، همین طور بود. او انسان صادق و ذاکر و خاشع و با اخلاصی بود که برای خدا کار می کرد و در دوران جنگ و بعد از جنگ وظیفه خود را انجام داد. بنابراین، این رشته ادامه دارد:

رگ است این آب شیرین و آب شور بر خلائق می رود تا نفخ صور

این راه ادامه دارد. چه کسی این دستگاه را، این حرکت را، این قافله پویا را زنده نگه می دارد؟ مبلغان، که در رأس آنها پیامبران الهی و اولیا و صلحا بودند؛ مثل شمعی که پروانه ها را به حرکت وا می دارد:

چون شمع تازیانه پروانه ایم ما عشاق را به تیغ زبان گرم می کنیم

مبلغ، با زبان خود، با دل خود، با جان خود، با روح خود، با همّت خود و با روشن بینی خود حرکت می کند. همین چارچوبی که الان آقای بوشهری فرمودند - که خیلی هم خوب تنظیم شده بود - همین چارچوب مورد قبول ماست. مبلغان با همین روش، با همین شیوه، با همین روحیه، با همین اهداف باید حرکت الهی خود را ادامه دهند.

انقلاب هم همین طور پیروز شد. بیشتر شما جوانان، آن روزها را درک نکرده اید. آن روزها هم مبلغان دینی - همین طلبه های بی نام و نشان و بی ادعا و بی توقع - رفتند اطراف عالم اسلام را، اطراف کشور را، روستاها را، شهرها را، مسجدها را، محلات را، داخل خانه ها را روشن کردند. هرجا رفتند، چراغی از آن خورشید فروزانی که مرکز همه این شعاعها بود - یعنی امام بزرگوار ما ؛ و او خود شعله ای از خورشید فروزان اباعبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام بود - روشن کردند و همه جا نورباران شد. دلها که روشن شد، جانها که آگاه شد، جسمها و زبانها به حرکت می افتد و اراده ها کار می کند. امروز هم همین طور است، فردا هم همین گونه است ؛ منتها در هر زمانی، هنر مبلغ دین این است که مخاطب را با آنچه که نیاز اوست، آشنا کند. بنابراین، نیاز زمانه را باید شناخت.

من در بین فرمایشهای حضرت ابی عبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام - که هر کدام نکته ای دارد و من به شما عزیزان عرض می کنم که به منظور بیان گفتارهای گویا و روشنگر برای مردم، از کلمات این بزرگوار باید حداکثر استفاده بشود - این جمله را مناسب مجلس خودمان می بینم که بنابراین آنچه که از آن بزرگوار نقل کرده اند، آن حضرت فرمود: «اللهم انک تعلم انّ الذی کان منّا لم یکن منافسة فی سلطان ولا التماس شیء من فضول الحطام» ؛ پروردگارا! این حرکتی که ما کردیم، این قیامی که ما کردیم، این تصمیمی که بر این اقدام گرفتیم، تو می دانی که برای قدرت طلبی نبود. قدرت طلبی برای یک انسان نمی تواند هدف واقع شود. نخواستیم زمام قدرت را در دست گیریم. برای منال دنیوی هم نبود که چرب و شیرین زندگی را به کام خودمان برسانیم و شکمی از عزا درآوریم ؛ مال و ذخیره ای درست کنیم و ثروتی به هم بزنیم. برای اینها نبود. پس برای چه بود؟ ایشان چند جمله فرموده است که خط و جهت ما را ترسیم می کند. در همه ادوار تبلیغ اسلام، اینها جهت است. «ولکن لنری المعالم من دینک» ؛ پرچمهای دین را برای مردم برافراشته کنیم و شاخصها را به چشم آنها بیاوریم.

شاخصها مهم است. همیشه شیطان در میان جماعات اهل دین، از تحریف استفاده می کند و راه را عوضی نشان می دهد. اگر بتواند بگوید «دین را کنار بگذار»، این کار را می کند، تا از طریق شهوات و تبلیغات مضر، ایمان دینی را از مردم بگیرد. اگر آن ممکن نشد، این کار را می کند که نشانه های دین را عوضی بگذارد ؛ مثل این که شما در جاده ای حرکت می کنید، ببینید آن سنگ نشان - آن نشانه راهنما - طرفی را نشان می دهد ؛ در حالی که دست خائنی آمده آن را عوض کرده و مسیر را به آن طرف نشان داده است.

امام حسین علیه السلام هدف اول خود را این قرار می دهد: «لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک» ؛ در میان کشور اسلامی، فساد را ریشه کن کنیم و اصلاح به وجود آوریم. اصلاح یعنی چه؟ یعنی نابود کردن فساد. فساد چیست؟ فساد انواع و اقسامی دارد: دزدی فساد است، خیانت فساد است، وابستگی فساد است، زورگویی فساد است، انحرافهای اخلاقی فساد است، انحرافهای مالی فساد است، دشمنیهای بین خودیها فساد است، گرایش به دشمنان دین فساد است، علاقه نشان دادن به چیزهای ضدّ دینی فساد است. همه چیز در سایه دین به وجود می آید. در جملات بعدی می فرماید: «و یأمن المظلومون من عبادک» ؛ بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند. منظور، مظلومان جامعه است، نه ستمگران، نه ستم پیشگان، نه مدّاحان ستم، نه عمله ستم! «مظلومون»، مردمانی هستند که دست و پای ندارند ؛ راه به جایی ندارند. هدف این است که مردمان مستضعف جامعه و انسانهای ضعیف - در هر سطحی و در هر جایی - امنیت پیدا کنند: امنیت حیثیتی، امنیت مالی، امنیت قضایی ؛ همین که امروز در دنیا نیست. امام حسین علیه السلام درست نقطه مقابل آن چیزی را می خواست که در زمان سلطه طواغیت در آن روز بود. امروز هم در سطح دنیا که نگاه می کنید، می بینید همین است ؛ پرچمهای دین را وارونه می کنند، بندگان مظلوم خدا را مظلومتر می کنند و ستمگران، پنجه شان به خون مظلومان بیشتر فرو می رود. ببینید در دنیا چه خبر است! ببینید با مسلمانان کوزوو چگونه عمل می کنند! پانصد هزار انسان - بلکه بیشتر - بچه، بزرگ، زن، مرد و مریض، در بیابانها، در مرزها ؛ آن هم نه مرزها و بیابانهای مهربان که در بین دشمن، زیر فشار دشمنی که راه را در مقابلشان مین گذاری می کند و پشت سرشان گلوله می اندازد. هدف این است که اینها را تار و مار کنند.

امروز من به شما عرض کنم - دیگر نمی خواهم آن را خیلی باز کنم - اراده جمعی بر این است که مسلمانان را در

منطقه بالکان تار و مار و پراکنده کنند؛ از سر برآوردن یک دولت اسلامی و یک مجموعه اسلامی - هرگونه اسلامی، ولو اسلامی که صدسال است معارف الهی را درست به گوشش نرسانده اند - جلوگیری کنند؛ چون همان هم برایشان خطرناک است! می دانند که اگر نسل امروز مسلمانان بالکان، به فرض با اسلام آشنا نباشند، نسل فردای آنها با اسلام آشنا خواهد شد. همین که هویت اسلامی در آنها زنده شود، خطر است؛ که بعضیها هم در بیاناتشان به این نکته اشاره کردند. آن دولتها با هم می جنگند؛ اما آنچه که در بین این زد و خوردها مورد توجه قرار ندارد و به آن اهمیت واقعی داده نمی شود - هرچند به زبان چیزهایی می گویند - وضع مسلمانان مظلوم است؛ «یأمن المظلومون من عبادک». هدف از هر قیامی، هدف از هر انقلابی، هدف از هر قدرت اسلامی ای و اصلاً هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومون» و عمل به فرایض، احکام و سنن الهی است.

امام حسین علیه السلام در آخر می فرماید: «و یعمل بفرائضک و احکامک و سننک». هدف آن بزرگوار اینهاست. حالا فلان آقا از گوشه ای درمی آید و بدون اندک آشنایی با معارف اسلامی و با کلمات امام حسین علیه السلام و حتی با یک لغت عربی، درباره اهداف قیام حسینی قلمفرسایی می کند، که امام حسین برای فلان هدف قیام کرده است! از کجا می گویی؟! این کلام امام حسین علیه السلام است: «و یعمل بفرائضک و احکامک و سننک»؛ یعنی امام حسین علیه السلام جان خودش و جان پاکیزه ترین انسانهای زمان خودش را فدا می کند، برای این که مردم به احکام دین عمل کنند. چرا؟ چون سعادت، در عمل به احکام دین است؛ چون عدالت، در عمل به احکام دین است؛ چون آزادی و آزادگی انسان، در عمل به احکام دین است. از کجا می خواهند آزادی را پیدا کنند؟! زیر چتر احکام دین است که همه خواسته های انسانها برآورده می شود.

انسان امروز، با انسان هزار سال قبل، با انسان ده هزار سال قبل، از لحاظ نیازهای اصلی هیچ تفاوتی نکرده است. نیازهای اصلی انسان این است که: امنیت می خواهد، آزادی می خواهد، معرفت می خواهد، زندگی راحت می خواهد، از تبعیض گریزان است، از ظلم گریزان است. نیازهای متبادر زمانی، چیزهایی است که در چارچوب اینها و زیر سایه اینها ممکن است تأمین شود. این نیازهای اصلی، فقط به برکت دین خداست که تأمین می شود و لاغیر. هیچکدام از این «ایسم»های جهانی، از این مکتبهای بشری و از این اسمهای پر زرق و برق نمی توانند بشر را نجات دهند. گیرم که توانستند مادیات - یعنی پول، آن هم قدر مطلق پول - را برای عده ای از مردم فراهم کنند. آیا این شد نیاز بشر؟! امروز نیاز بشر این است که در فلان کشور، تولید ناخالص ملی به فلان مبلغ میلیاردی سربرزد؛ در حالی که این تولید ناخالص ملی نمی تواند جواب غذای بسیاری از مردم همان جامعه را هم بدهد؟! آیا این کافی است؟! آیا ما دنبال این هستیم؟!!

چه فایده ای دارد که کشوری ثروتمند باشد؛ اما در آن گرسنگان زیادی وجود داشته باشند. تولید بالا داشته باشد؛ اما تبعیض و تفاوت در جامعه وجود داشته باشد. عده ای باشند که بتوانند با کمک آن ثروتی که این کشور دارد، بر جمع کثیری از مردم ظلم کنند، زور بگویند و آنها را استثمار نمایند! برای این، انسان جا دارد کار کند؟! برای این، انسان باید فداکاری کند؟ فداکاری، برای عدالت و آزادی و شادی و بهجت روح انسانی است و اینها را دین تأمین می کند. فداکاری برای این است که انسانها اخلاق حسنه و فضیلت پیدا کنند؛ در محیط انسانیت، بهشت صفا باشد. برای این باید کار کرد؛ برای این تبلیغ کنید؛ در این جهت تبلیغ کنید.

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر حدیثی دیدم که از جمله چیزهایی که برای امر به معروف و ناهی از منکر ذکر می کند، «رفیق فیما یأمر و رفیق فیما ینهی» بود. آن جایی که جایی رفیق است - که غالب جاها هم از این قبیل است - انسان باید با «رفیق» عمل کند؛ برای این که بتواند با محبت آن حقایق را در دلها و در ذهنها جا بدهد و جایگزین کند. تبلیغ برای این است؛ برای زنده کردن احکام الهی و اسلامی است.

امروز بحمدالله این فرصت در کشور ما هست و دولتمردان «درد دین» دارند. بله؛ تبلیغات خارجی می خواهد این طور وانمود کند که مسؤولان و متشخصان کشور یا بعضی از آنها، به مسائل دینی کاری ندارند! نخیر؛ این طور نیست. بعضی از آنها نمی فهمند، بعضیشان عمداً تعمیه می کنند؛ می خواهند این گونه تبلیغ کنند؛ می خواهند ذهن اشخاص را خراب کنند. امروز در کشور ما، مسؤولان طراز اول کشور درد دین دارند؛ آنچه که از دین می فهمند،

می خواهند آن را اجرا کنند. زمینه ها فراهم است؛ هرچند که رسانه های تبلیغی انصافاً تصور دارند. شما این رسانه تبلیغی خودتان را مغتنم بشمارید. البته همه آنها هم وظیفه دارند خودشان را اصلاح کنند؛ لیکن شما این منبر تبلیغ و این پایگاه عظیم تبلیغ مسجد و حسینیه و زیر خیمه امام حسین علیه السلام را قدر بدانید. این چیز بسیار نافذ و مؤثر و مبارکی است.

مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید؛ آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید - انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود - آنها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مؤمنین و صالحین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، دلها روشن خواهد شد؛ آگاهی به وجود خواهد آمد؛ حرکت به وجود خواهد آمد؛ ایمان عمیق خواهد شد. مؤثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شبیخون نامردانه دشمن همین است؛ از این به شدت نگرانم. می خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوشفکر، در محیطهای مختلف - در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه - کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی سبیل الله شماس است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «لم یکن منافسة فی سلطان ولا التماس شیء من فضول الحطام».

امیدواریم خداوند متعال، این دلهای نورانی شما را، حرکت شما را و کار شما آقایان عزیز را مشمول لطف و فضل خود قرار دهد و آن را برای مردم مبارک کند و ان شاء الله آثار برجسته آن را در جامعه ما ماندگار نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته